

واکاوی مستند قرآنی قاعده اتصال عدّه به سبب آن؛

با محوریت نقد ترجمه‌های چهار فقیه (صادق تهران، مشکینی، مکارم شیرازی و یزدی)

عبدالرضا پورمطلب^۱

سیده فاطمه حسینی میرصفی^۲

رحمت فرحزادی^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۳/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۱۶

چکیده

طلاق و عدّه از جمله موضوعاتی است که خداوند متعال در آیات متعددی به آن اشاره کرده است. عدّه در شرع به مدت زمانی اطلاق می‌شود که زن بعد از وفات و یا طلاق و یا انقضای مدت محرمیت (در عقد دائم یا موقت)، نمی‌تواند ازدواج کند. با توجه به این که عدّه و شرایط مطلقه‌های مشمول آن دارای آثار فقهی و حقوقی متعددی است لذا پرداختن به این موضوع و شناخت دقیق معنای واژگان مستندات قرآنی آن، لازم و ضروری است. به همین منظور نویسنده این مقاله در صدد است تا با روش توصیفی تحلیلی و انتقادی، ضمن تبیین مسئله عدّه و انواع آن، به بررسی، تحلیل و تطبیق ترجمه‌های چهار تن از مترجمین محترم که از فقهای مشهور و مبرز معاصر نیز می‌باشند، پرداخته و با بیان کاستی‌های برخی از ترجمه‌ها، ترجمه دقیق‌تری از آیه قرآنی مورد بحث را ارائه نماید. در همین راستا سعی شده قاعده فقهی اتصال عدّه به سبب، نیز مورد بررسی قرار گیرد.

واژه‌گان کلیدی: عدّه، اتصال عدّه، سبب عدّه، طلاق، ترجمه‌های فقهای معاصر.

^۱. دانشجوی دکترای رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Rezapoormatloob@gmail.com

^۲. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده

مسئول). Hossein_7@yahoo.com. mirsafy@yahoo.com

^۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Farahzadi.90@yahoo.com

درآمد: قاعده اتصال عدّه به سبب آن

برخی آیات قرآن، به دلیل کاربرد فراوان و استنباط احکام متعدّد، به قاعده شهرت یافته‌اند. یکی از این آیات، که به قاعده «اتصال العدّه بسببها» مشهور شده، آیه اول سورة طلاق است. (حلی (علامه)، ۱۳۸۷، ۳/۳۳۹؛ مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۵، ۶/۴۴؛ مغنیه، ۱۴۲۱، ۶/۳۶؛ نجفی، ۱۳۶۵، ۳۲/۳۷۱). از این آیه و ظهوری که از منطوق آن به دست می‌آید در تعبیر برخی از فقها تعبیر به قاعده شده است. (مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۵، ۶/۴۴)، برخی از مفسرین شیعه و اهل سنت مانند طباطبایی و سیوطی از این آیه با عنوان آیه عدّه یاد کرده‌اند. (سیوطی، ۱۴۲۱، ۱/۳۵۰؛ (النوع السّابع والأربعون)؛ طباطبایی، ۱۳۷۰، ۴/۴۲۴) در مقابل برخی از فرهنگ‌نامه‌های فقهی جدید آیه ۴۹ سورة احزاب را با عنوان آیه عدّه قلمداد کرده‌اند. (مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۵، ۱/۱۹۸).

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ﴾، (طلاق/۱)

فقها با استناد به ظاهر این آیه دو نکته را برداشت کرده‌اند:

۱. طلاق، با عدّه همراه است. یعنی هر نوع طلاقی که بعد از وقوع رابطه زناشویی اتفاق می‌افتد، با نوعی عدّه همراه است.
۲. زمان این عدّه از لحظه وقوع طلاق محاسبه می‌گردد.

فقها با توجه به این عبارت آیه ﴿وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ﴾ که در سیاق امر بوده و طبق قواعد اصولی ظهور در وجوب دارد؛ نگه داشتن عدّه را بر زنان واجب دانسته‌اند. و از آن در باب طلاق و نیز تعیین کیفیت عدّه وفات استفاده کرده‌اند. (نجفی، ۱۳۶۵، ۳۲/۳۷۱؛ مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۵، ۶/۴۴)، هم‌چنین طبق آنچه ذیل کتاب طلاق و در بحث لواحق عدّه و فروعات سکنی در طلاق آمده؛ شروع عدّه طلاق را از زمان وقوع طلاق و شروع زمان عدّه وفات را از زمان آن دانسته و علم و جهل زوجه را نسبت به وقوع طلاق و وفات، در زمان عدّه مؤثر ندانسته‌اند. (نجفی، ۱۳۶۵، ۳۲/۳۷۱). به عبارت روشن‌تر «با تحقق سبب عدّه، زمان آن شروع می‌شود و ایام عدّه را باید از همان لحظه شمارش کرد».

طرح مسئله

بسیاری از احکام اسلامی، مبتنی بر آیات قرآن است که به دلیل اتصال به علم لایتناهی و حکمت خداوند متعال، غیر قابل تغییر هستند. اصل نگه داشتن عدّه و اتصال آن به سبب و برخی از احکام آن، در این شمارند. عدم توضیح کافی ذیل ترجمه این آیه در برخی موارد از ترجمه‌های مترجمان قرآن، موجب ابهاماتی در چگونگی و زمان ورود به موضوع طلاق زن، عمومیت و تخصیص زنان طلاق داده شده و زمان صحیح طلاق دادن، شده است. ابهام-زدایی از ترجمه ناقص آیات در اثبات چگونگی شمارش عدّه، ما را بر آن داشت تا با بررسی برخی از ترجمه‌های قرآن به ویژه ترجمه‌های ارائه شده از سوی فقهای عظام، ترجمه‌ای رساتر از بخش نخست آیه اول سورة طلاق تقدیم کنیم.

الف: اهداف پژوهش

با توجه به کثرت وقوع پدیده نامیمون طلاق در جامعه و نیز افزایش بی‌رویه زنان مطلقه؛ تبیین دقیق مسأله عدّه و نیز چگونگی محاسبه زمان عدّه، ضرورت مضاعفی یافته است. از این رو پژوهش حاضر در صدد است پس از تبیین موضوع عدّه، به توضیح قاعده «اتصال عدّه به سبب خاص» پرداخته و ترجمه‌های آیه مورد بحث را با زوایای طرح شده در بحث تطبیق داده و در نهایت ترجمه‌ای تفسیری و جامع‌الاطراف از آیه ارائه نماید. البته ما در این پژوهش درصدد نقد و بررسی برخی موضوعاتی هم‌چون «فلسفه وضع عدّه»، (نجفی، ۱۳۶۵، ۳۲/۲۱۲؛ علوی قزوینی، ۱۳۸۷، ۱-۳۲؛ یوسفی، ۱۳۹۲، ۱۲۳-۱۴۰؛ جهانگیری، ۱۳۹۴، ۷۳-۸۸)؛ «دلایل اثبات عدّه»، (علوی قزوینی، ۱۳۸۷، ۱-۳۲)؛ و «زنانی که مشمول قاعده عدّه

نیستند»، نبودیم و تحلیل آن‌ها را به پژوهش‌های دیگر واگذار می‌کنیم؛ اما برای موضوعات پیش آمده منابعی را پیش‌روی آن‌ها معرفی و یک یادداشت را در پایان ذکر می‌کنیم. (یادداشت اول).

ب: پیشینه پژوهش

دیگران و صاحب جواهر در قسم سوم از ایقاعات و در فصل هفتم از کتاب طلاق با عنوان لواحق، به طرح مسائل هشت-گانه‌ای پرداخته‌اند که در ذیل مسأله پنجم با عنوان عدّه زن، از لحظه طلاق و یا فوت شوهر، به تصریح از قاعده اتصال عدّه به سبب آن، نام برده است. (نجفی، ۱۳۶۵، ۳۷۱/۳۲؛ مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۵، ۴۴/۶).

اما پژوهش حاضر علاوه بر تلاش در تبیین و توضیح بیشتر قاعده فوق؛ ترجمه‌های مستند قرآنی قاعده مذکور را مورد بررسی قرار داده که در نتیجه به ترجمه‌ای جامع‌تر و رساتر رسیده است. به حسب تتبع برای پژوهش حاضر، هیچ نمونه و پیشینه‌ای یافت نشده است.

پ: روش شناسی پژوهش

در این نوشتار از روش کتابخانه‌ای و اسناد با شیوه توصیفی تحلیلی و انتقادی بهره برده شده است.

مفهوم شناسی مصطلحات

فقه‌های عظام در بحث عدّه، مصطلحات متعددی را در کتب فقهی خود مورد استفاده و توضیح داده‌اند. ما هم در این پژوهش برخی اصطلاحات مانند؛ عدّه، طلاق، طهر، و غیره را در حد نیاز توضیح داده‌ایم.

۱. عدّه

۱-۱. معنای لغوی عدّه

«عدّه از ریشه «العدّ» به معنای شمردن است» (ابن فارس، بی تا، ۲۹/۴)، و «جمع آن «عدّد» است». (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۸۱/۳-۲۸۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ۹۱۹)، راغب می‌نویسد: عدّه به کسر اول، شیء قابل شمارش را گویند، و طبق روئے معمول خود آن را مستند به آیه «وَأَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا» (جن ۲۸) کرده است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ۹۱۹).

واژه «عدّه» در قرآن هفت بار آمده، یک مرتبه در سوره طلاق آیه اول به معنای لغوی عدّه و یک مرتبه در سوره احزاب آیه ۴۹ در معنای اصطلاحی و پنج بار هم به معنای تعداد آمده است. (غیائی کرمانی، ۱۳۸۱، ۱۷۴).

۱-۲. معنای اصطلاحی عدّه

عدّه عبارت است از زمان شرعی انتظار زن پس از طلاق یا وفات شوهر برای ازدواج مجدد. (الفراء، ۱۹۸۰، ۱۶۲/۳؛ مشکینی اردبیلی، ۱۳۹۲، ۳۷۱؛ نجفی، ۱۳۶۵، ۲۱۱/۳۲)، اغلب محققان در تعریف اصطلاحی عدّه معتقدند: «مقدار زمانی که زن پس از انحلال نکاح به جهت مرگ شوهر یا به لحاظ اطمینان از پاک بودن رحم‌اش از حمل (صیانت نسبت‌ها) یا به جهت تعبد شرعی با فرض یقین به برائت از حمل، باید صبر کرده و از ازدواج مجدد خودداری کند، عدّه نام دارد». (حلی، (محقق)، ۱۴۰۹، ۱۶۲، شهید ثانی، ۱۳۷۹، ۲۱۳/۹).

۱-۳. مسئولیت شمارش روزهای عدّه

در زمان عدّه مسئولیت شمارش دقیق روزهای عدّه با مرد است. «وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ» (طلاق ۱)؛ زیرا مسئولیت تأمین مسکن و نفقه مطلقه بر طبق آیات ششم و هفتم سوره طلاق در این دوران هم‌چون دوران زناشویی، بر عهده مرد است. (امین، ۱۳۶۱، ۳۵۸/۱۳). عدّه نگه‌داشتن ویژه زنان است و به واسطه فوت شوهر، طلاق، فسخ و بذل مدت در نکاح موقت، بر زوجه واجب می‌شود. این مدت با توجه به نوع پایان ازدواج (مرگ همسر، طلاق یا فسخ نکاح)، و نیز نوع ازدواج

(دائم یا موقت) و نیز شرایط زن در بارداری یا غیر بارداری او متغیر است. شرط وجوب عده در همه اقسام به غیر وفات؛ لزوماً به شرط انجام آمیزش و وقوع آن در هنگام بلوغ زن و هم چنین در زناشویی و نکاح شرعی، وابستگی کامل دارد. عدم رعایت دقیق زمان عده - در طولانی تر شدن و یا در کوتاه تر شدن دوران عده - و یا پنهان کردن آن توسط زن، تبعاتی را مانند عدم عمل به نص قرآن یعنی حدود الهی ﴿وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ﴾، (طلاق/۱)، و نیز پس از نافرمانی خدا، قرار گرفتن در زمره ظالمین ﴿وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ﴾، (طلاق/۱)، و برآورده نشدن دستور شارع مقدس ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ﴾، (طلاق/۱)، که به نص آیه به هر دلیل (پنهان کردن حیض، به منظور تصحیح طلاق) باشد، حرام است. (صفوی، ۱۳۹۶، ۱/۱۹۷)، پیامدهای انسانی آن هم چه بسا غیر قابل جبران باشد. مثلاً طولانی تر شدن زمان عده مانند قوانین موضوعه برخی کشورهای اروپایی که به چند سال هم می انجامد، (رستمی تبریزی، ۱۳۸۸، ۲۱۵-۲۴۲؛ رزاقی، ۱۳۸۳، ۹۱-۹۴) علاوه بر تحمیل هزینه های تأمین مسکن و نفقه زن بر مرد، ممکن است زبان های عاطفی و روانی بر هر کدام از زوجین وارد و یا در برخی موارد زن را از ازدواج بعدی محروم سازد. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ۲۴۰/۲۴)، در صورت کوتاه تر شدن زمان عده، علاوه بر عدم حصول اطمینان از برائت رحم از وجود جنین که یکی از مهم ترین غایات وضع عده بوده، کاهش احتمال بازگشت هر کدام از زوجین را به زندگی مشترک که در اغلب جهت گیری های اخلاقی آیات عده و طلاق بر آن تأکید شده؛ در پی خواهد داشت. (معارف، ۱۳۹۹، ۱۷۷-۲۰۵) شاید بتوان سفارش به تقوی ﴿وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبِّكُمْ﴾، (طلاق/۱) در همین آیه و پس از توصیه به شمارش عده را نشان دهنده تأکید خداوند متعال بر رعایت دقیق عده دانست.

باید توجه داشت که هدف عده نگه داشتن را نباید فقط جلوگیری از «اختلاط میاه» دانست، بلکه رعایت حریم مقدس ازدواج نیز از اهداف این حکم شرعی است. و در واقع دلیل مهمی در حفظ حریم زوجیت است، (اشرف و نظری، ۱۳۸۷، ۳۳)، لذا اگر زنی چندین سال هم از شوهرش دور باشد و سپس شوهرش او را طلاق دهد؛ باز هم باید عده نگه دارد. ملاک محاسبه عده، ماه قمری است. (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۲/۳۵۸). با توجه به موضوع بحث، «انواع مختلف عده و موجبات آن» از محدوده این پژوهش بیرون است. برای اطلاع به منابع پیش رو مراجعه کنید. (ترک، ۱۳۹۴، ۱۱۳-۳۱۲؛ مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۲، ۳۵۰/۵-۳۵۹).

۴-۱. اقسام زنان در نگه داشتن عده

لازم به توضیح است که زمان عده برای انواع زنان مختلف است.

دسته بندی عده بر اساس تفاوت زنان مطلقه بر اساس آیات قرآن به این شرح است:

الف: زنان صغیره، مریض و کبیره یا سه؛ پس از طلاق باید به مدت سه ماه تمام عده نگه دارند. (طلاق/۴)

ب: زنان مطلقه (عادی): باید پس از طلاق به مدت سه پاکی عده نگه دارند. (بقره/۲۲۸)

پ: زنان باردار: عده ایشان زمان وضع حمل شان است. (طلاق/۴)

موضوع و اغلب احکام طلاق و عده در قرآن کریم به صراحت و به طور مستقیم در آیات متعددی از جمله: (بقره/۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۲)، (احزاب/۴۹) و (طلاق/۱، ۲، ۴، ۶، ۷) مورد بحث قرار گرفته است.

۲. طلاق

۱-۲. معنای لغوی طلاق

طلاق در لغت، اسم مصدر از ریشه (طلق، يطلق) است که در معنای «آزاد کردن» و «آزاد شدن» به کار می‌رود. (طریحی، ۱۳۷۵، ۴۶۲/۵) اغلب مفاهیم طلاق، با مفهوم آزادی، رهایی و خالی شدن از پیوند، عهد و پیمان همراه هستند. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۲۶/۱۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ۸۸۰).

۲-۲. معنای اصطلاحی طلاق

طلاق در اصطلاح به برداشته شدن و جدا کردن زن از محدودیتی که به وسیله عقد بین زوجین برقرار شده، گفته می‌شود (مصطفوی، ۷، ۱۱۲/۱۴۰۲) و در اصطلاح شرعی به معنای زائل نمودن قید و پیوند نکاح با صیغه مخصوصی است. «إزالة قید النکاح بصیغه مخصوصه». (نجفی، ۱۳۶۵، ۳/۳۲ و ۲۷۴/۱۲)، در اصطلاح علم حقوق، طلاق نوعی رفع قید نکاح می‌باشد. (امامی، ۱۳۶۶، ۲)، به عبارت دیگر، طلاق نوعی ایقاع است که با تشریفات خاصی به انجام رسیده و به موجب آن عقد نکاح از بین می‌رود. (محقق، ۱۳۶۰، ۱۳). ما در این پژوهش در صدد تبیین موضوع طلاق، انواع دوگانه «طلاق رجعی و بائن» و اقسام پنج‌گانه طلاق بائن و یا ملحقات باب طلاق نیستیم، برای مطالعه این موضوع به منابع پیش‌رو مراجعه کنید. (بهرامی اقدم، ۱۳۹۸، ۲۳-۴۵؛ ترک، ۱۳۹۴، ۵۳-۱۶۰؛ حلی (علامه)، ۱۳۶۸، ۱۹۱-۱۹۳؛ مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۲، ۱۹۴/۵-۲۰۷؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۳۸۰/۲؛ نجفی، ۱۳۶۵، ۱۱۹/۳۲).

۳. طهر

۳-۱. تعریف طهر

طهر در لغت به معنای پاکی، مقابل نجاست و حیض آمده است. (فراهیدی، ۱۴۱۰، ۱۸/۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶، ۸۸۴) لیکن مراد از آن در کلمات فقها پاکی از حیض و نفاس است؛ از این رو، به روزهای پاکی زن از حیض و نفاس «ایام طهر» گفته می‌شود. بنابراین، ایامی که زن خون استحاضه (خون بیرون آمده از رحم زن، که غیر از خون‌های حیض و نفاس است) می‌بیند نیز ایام طهر او به شمار می‌رود؛ زیرا از حیض و نفاس پاک است و به خلاف زن حائض و نفسا؛ طلاق او بلا مانع است. (مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۲، ۲۴۶/۵-۲۴۷)، از احکام آن در باب‌های طهارت؛ طلاق وظهار سخن گفته‌اند. برخی از مفردات مستندات قرآنی حکم شرعی عده مانند قُرء - که هم به معنای طهر و هم به معنای حیض است - از جمله اعداد هستند که این امر موجب ترجمه‌های متفاوت و احکام متفاوت شده است، اما به دلیل عدم موضوعیت «قُرء و قروء» در طلاق، و عدم شمول آن در این پژوهش از آن صرف نظر و برای اطلاع بیشتر، منابع پیش‌رو معرفی می‌شوند. (حصاری و همکاران، ۱۳۹۷، ۹-۱۱؛ رضایی کرمانی، ۱۳۹۴، ۱۴۴-۱۴۷؛ صادقی فدکی، ۱۳۹۴، ۶۸).

۳-۲. اقسام طهر

طهر به اعتبار وقوع و عدم وقوع آمیزش در زمان آن، به طهر موقعه و طهر غیر موقعه تقسیم می‌شود. طهر موقعه عبارت است از طهری که در ایام آن مرد با همسرش آمیزش کرده است و طهر غیر موقعه، بالعکس. از شرایط صحّت طلاق، وقوع آن در طهر غیر موقعه است. (نجفی، ۱۳۶۵، ۱۴۷/۳-۱۴۹).

بنابراین، طلاق دادن زنی که حایض یا نفسا و یا در طهر موقعه است صحیح نیست، جز در زن حامله و زنی که شوهرش پس از آمیزش با وی به سفر رفته و امکان آگاهی از وضعیت زن را ندارد، که در اولی پس از وضع حمل زن و در دومی پس از سپری شدن مدتی که به طور عادت علم به انتقال زن از طهر موقعه به طهر غیر موقعه حاصل می‌شود، طلاق صحیح است. چنان که طلاق دادن زنی که شوهرش تا زمان طلاق با او نزدیکی نکرده نیز در همه حالات صحیح است و

این شرط در او معتبر نیست. (نجفی، ۱۳۶۵، ۲۹/۳۲-۳۰) برای توضیح نفاس و نیز برخی توضیحات خارج از بحث و فروع موضوع می‌توان به منبع پیشنهادی مراجعه نمود. (مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۲، ۲۴۶/۵-۲۴۸)

۴. عده فسخ نکاح

فسخ نکاح، مفهومی متفاوت از طلاق است و در صورتی که عیوب مشخصی در مرد یا زن وجود داشته باشد و طرفین پس از عقد به آن عیوب پی ببرند، برای زن یا شوهر حق فسخ و اتمام رابطه زوجیت وجود دارد. (معرفت، ۱۳۷۶، ۴). وجود سه عیب در مرد (عنن، خصاء و مقطوع بودن آلت تناسلی)، موجب حق فسخ زن خواهد بود. (حلی (علامه)، ۱۳۶۸، ۱۸۲؛ خویی، ۱۳۶۸، ۳۱۴/۲؛ موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۳۱۶/۲)، هم‌چنین وجود شش عیب در زنان (قرن، جذام، برص، افضاء، زمین‌گیری و نابینائی از هر دو چشم)، موجب حق فسخ برای مرد خواهد بود. (ابن بابویه (صدوق)، ۱۴۱۳، ۴۳۲/۳-۴۳۳، ح/۴۴۹۵-۴۴۹۹؛ ترک، ۱۳۹۴، ۷۴-۸۱؛ حلی (علامه)، ۱۳۶۸، ۱۸۲؛ خویی، ۱۳۶۸، ۳۱۴/۲). موضوع قابل ذکر عده و موضوع عیوب این است که اگر زن یا مرد به دلیل وجود عیب در طرف دیگر، نکاح را فسخ کنند، در این صورت زن باید، سه طهر و یا اگر به اقتضای سن، عادت زنانگی نمی‌بیند، سه ماه عده نگه دارد. (نجفی، ۱۳۶۵، ۳۲/۲۳). البته برخی با استناداتی موجه از روایات، عیوب فسخ نکاح را چه در زن و چه در مرد، منحصر به این موارد ندانسته‌اند. (استادی، ۱۳۸۸، ۹۴-۱۲۸؛ ترک، ۱۳۹۴، ۸۰-۸۱).

۵. عده وفات

وفات نیز عاملی است که باعث انقطاع زوجیت می‌شود؛ بنابراین زن پس از فوت همسر باید عده نگه دارد، به این عده، عده وفات می‌گویند. مبدأ عده وفات، روزی است که خبر مرگ شوهر به زن می‌رسد. این عده، طولانی‌ترین عده‌ای است که زن باید آن را رعایت کند. عده وفات از دو جهت با عده طلاق متفاوت است: از نظر مدت، که از عده طلاق طولانی‌تر است و از نظر مصداق، که شامل همه زنان حتی زنان یائسه و غیرمدخوله یا زنان باکره (زنی که قبل از برقراری رابطه جنسی، رابطه زوجیت او منحل شده باشد)، - که عده طلاق بر آنها واجب نیست - نیز می‌شود. مستند قرآنی عده وفات، آیه ۲۳۴ سوره بقره است. برای برخی توضیحات خارج از بحث و فروع این موضوع، به منابع پیشنهادی مراجعه نمود. (مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۹۲، ۳۵۰/۵-۳۵۹؛ نجفی، ۱۳۶۵، ۳۲/۲۷۴-۲۷۵).

۶. بررسی شرایط طلاق

در دین مبین اسلام، شارع مقدس عقد نکاح را پیمانی محکم و هدف از آن را جعل مودت و رحمت بین دو انسان قرار داده، (و مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ) (روم/۲۱) به همین دلیل، شارع در طلاق چندین سخت‌گیری و تکلیف توان‌فرسا مقرر داشته که طبعاً موجب تأخیر طلاق و انصراف مرد از طلاق می‌گردد. از آن جمله شروط و شرایط مختلف عده و شرط اتصال عده به سببی خاص را می‌توان ذکر کرد. تفصیل و توضیح برخی از این شروط که مستند به آیه مورد بحث و سایر آیات طلاق است در پی می‌آید:

الف: از مهم‌ترین ویژگی‌های موضوع عده به ویژه عده طلاق؛ رجوع مرد در آن ایام به همسر؛ بدون هیچ تشریفات خاصی است، به خلاف طلاق که شرایط متعددی دارد.

ب: اسلام طلاق را عملی بسیار منفور معرفی کرده است. (کلینی، ۱۳۶۵، ۵۴/۶، ۳/۲).

پ: در شرایط ناسازگاری زن و شوهر، قرآن توصیه می‌کند که هر یک از زوجین نماینده‌ای از اقوام خویش را به عنوان داور تعیین کرده تا اختلافات زوجین را بررسی کرده و از راه بحث و گفت‌وگو؛ تلاش خود را برای حل اختلاف بکار برند. قرآن می‌فرماید: (وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا) (نساء/۳۵) خداوند متعال نیت خیر داوران را تأیید و بین زن و شوهر مصالحه خواهد کرد.

ت: قرآن موضوع شهادت دادن دو مرد را در طلاق مطرح و به آن اثر حقوقی بخشیده است. (فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهِدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِنْكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوَفِّقُ اللَّهُ بَيْنَ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا) (طلاق/۲) خداوند متعال در این آیه به تصریح برای اجرای صیغه طلاق، حضور دو شاهد عادل را از میان خویشان ضروری دانسته است. ذکر صریح این کلمات (شهادت دو مرد عادل و از خویشان) دلالتی کامل بر اراده عدم جدایی دارد. و البته مغایر با آنچه که امروزه رایج شده و به حضور دو شاهد که زن و مرد را نمی‌شناسند و شهادت دادن‌شان بدون دلسوزی و احساس مسئولیتی و فقط برای انجام کاری و به دست آوردن حق الزحمه‌ای، بدل شده است، بیانگر مغایرت آن با توصیه‌های اسلامی است. این نکته که تحمل شهادت برای صحت هیچ یک از عقود و ایقاعات مگر در طلاق وظهار شرط لازم و ضروری دانسته نشده است؛ مؤیدی قوی بر این است که لزوماً گواهان در طلاق، می‌بایست شرط دلسوز بودن و دغدغه داشتن برای عدم جدایی و حفظ بنیان خانواده را دارا و به آن متعهد باشند. برای دریافت تفصیلی از موضوع شهادت دادن و شرایط سیزده گانه آن که برای برخی از این شروط نیز فروع متعددی آورده شده است، به منابع پیش‌رو مراجعه کنید. (مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۹، ۴/۷۳۸-۷۵۳؛ نجفی، ۱۳۶۵، ۴۷/۳۲ و ۱۰۲ و ۱۰۵/۳۳).

ث: اسلام، عادت ماهانه زن را مانع طلاق قرار داده است، بدین معنی که زن در هنگام طلاق باید از عادت ماهانه پاک باشد. این کار علاوه بر آن که خود مانعی است برای وقوع طلاق، نکته مهمی را در بر دارد که در موارد طلاق رجعی، چون طلاق در هنگام پاکی زن اجرا می‌شود، مرد چنانچه پشیمان شود و قصد رجوع به زن را داشته باشد، چون زن در شرایط پاکی از عادت ماهانه قرار دارد، انگیزه رجوع برای مرد بیشتر است.

ج: در طلاق رجعی و این که تا سپری شدن زمان عدّه، توصیه شده که زن در خانه مرد بماند؛ (لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ) (طلاق/۱)، زمینه‌ای برای سازش مرد و زن است. این شرط و شرایطی مانند دسترس بودن زن و توصیه و تأکید دستورات شرعی مبنی بر خودآرائی زن در زمان عدّه، همگی عواملی هستند که در شرع مقدس پیش‌بینی شده تا موجبات تسهیل سامان مجدد زندگی و کاهش طلاق فراهم گردد.

چ: نکته دیگر به تفاوت زن و مرد در نیازهای جنسی بر می‌گردد. احساس نیاز جنسی مرد به زن بیشتر از احساس نیاز زن به مرد است. (بستان، ۱۳۸۵، ۲۳۴) و مرد از نظر جنسی در مقابل تحریک جنسی مقاومت کمتری دارد. طلاق راه‌های مشروع ارضای نیاز مرد را سلب کرده و وی را دچار مشکلات زیادی می‌کند بر خلاف زن که به دلیل استقامت زیادی که دارد به راحتی به جنس مخالف تمایل پیدا نمی‌کند. همین موضوع باعث کاهش طلاق توسط مردان شده است.

ح: یکی از اسباب سه گانه وجوب نفقه، زوجیت است. (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، ۲/۳۱۳-۳۱۵)، و در ازدواج دائم و یا ازدواج موقت، نفقه زن و به تبع آن فرزندان بر عهده شوهر است. (همو، همان، ۲/۳۱۳) این وجوب از آیات متعددی از قرآن استنباط می‌شود. از جمله سوره‌های (بقره/۲۳۳ و ۲۳۶)؛ (نساء/۱۹ و ۳۴) و (طلاق/۷-۶)، هم‌چنین روایات بسیاری وجوب نفقه زن و فرزندان را بر شوهر تأیید کرده‌اند. از آن جمله، حریز می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم

آن که نفقه‌اش بر من لازم است و (در صورت نپرداختن) به آن مجبور می‌شوم، کیست؟ آن حضرت فرمود: «الوالدان و الولد و الزوجه»؛ پدر و مادر، فرزند و همسر. (ابن بابویه (صدوق)، ۱۳۶۲، ۱/۲۴۸) محقق حلی نیز در شرایع آورده است: «و تثبت النفقة للزوجه مسلمة كانت أو ذمیة أو أمه». به هر حال زوج باید نفقه همسر خود را بدهد چه مسلمان و یا اهل کتاب و یا برده زن (کنیز) باشد. (حلی، (محقق)، ۱۴۰۹، ۲/۵۷۰) با این مقدمه اسلام بر مسئولیت اقتصادی مردان و معافیت زنان از تأمین هزینه‌های خانواده (زن و فرزندان)، سرپرستی فرزندان پس از طلاق و تکلیف پرداخت هزینه‌های مهریه ازدواج سابق بر مرد و به علاوه همین هزینه‌ها برای تشکیل زندگی دوم، همه می‌تواند انگیزه مرد را نسبت به طلاق کاهش دهد.

ترجمه‌های فقهی منتخب:

سوره طلاق: (یا ایها النبی! إذا طلقتم النساء فطلقوهن لعدتهن وأحصوا العدة واتقوا الله ربکم لا تخرجن من بیوتهن ولا یخرجن إلا أن یتین بفاحشه مبینه و تلک حدود الله و من یتعد حدود الله فقد ظلم نفسه لا تدری لعل الله یحدث بعد ذلك أمراً) (۱)

استاد صادقی تهرانی (ره): هان ای پیامبر برجسته! چون زنان را طلاق می‌گویید، پس با (زمان بندی) عده آنان طلاقشان کنید، و حساب عده را نگه دارید و خدا پروردگارتان را پروا بدارید آنان را از خانه هاشان بیرون مرانید، و آنها هم از خانه هاشان بیرون نروند، مگر آنکه مرتکب فحشایی آشکار گردند و این مرزبندی‌های الهی است، و هر کس از مرزهای خدا پای فراتر نهد، بی‌امان به خودش ستم کرده نمی‌دانی، شاید خدا پس از این چیزی (خوشایند) پدید آورد.

استاد مشکینی (ره): ای پیامبر، هنگامی که خواستید زن‌ها را طلاق دهید آنها را به وقت عده طلاق دهید، (در زمانی که شروع به عده ممکن باشد یعنی از حیض پاک شده و با شوهر هم بستر نشده اند)، و حساب عده را نگه دارید، و از خدای پروردگارتان پروا کنید؛ آنها را (در دوران عده) از خانه هایشان بیرون نکنید و آنها نیز بیرون نروند مگر آن که عمل زشت آشکاری مرتکب شوند و این‌ها حد و مرزهای خدا است و هر کس از حد و مرزهای خدا تجاوز کند حقا که بر خویش ستم کرده؛ تو (ای مرد) نمی‌دانی (و آن زن نمی‌داند) شاید خدا پس از آن (طلاق) کاری (از نظر صلح طرفین) پدید آورد.

استاد مکارم: ای پیامبر! هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید، در زمان عده، آنها را طلاق کنید [زمانی که از عادت ماهانه پاک شده و با همسرشان نزدیکی نکرده باشند]، و حساب عده را نگه دارید؛ و از خدایی که پروردگار شماست پرهیزید؛ نه شما آنها را از خانه هایشان بیرون کنید و نه آنها (در دوران عده) بیرون روند، مگر آن که کار زشت آشکاری انجام دهند؛ این حدود خداست، و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویش ستم کرده؛ تو نمی‌دانی شاید خداوند بعد از این، وضع تازه (وسیله اصلاحی) فراهم کند!

استاد یزدی (ره): هان، ای پیامبر! هرگاه خواستید زنان را طلاق کنید، آنان را به هنگامی که عده نگه می‌دارند طلاقشان دهید و شمارش روزهای عده را نگه دارید و از خداوند، پروردگارتان پروا کنید (مبادا شمار عده کم و زیاد شود) آنان (زنان طلاق داده شده) را از خانه هایشان (خانه‌هایی که پیش از طلاق در آن‌ها زندگی می‌کردند) بیرون نکنید، خودشان هم بیرون نروند مگر آن که کار ناشایست آشکاری (مانند زنا) مرتکب شوند این‌ها حدود و احکام خداست و هر کس از این مرزها بگذرد قطعاً به خود ستم کرده است؛ تو نمی‌دانی (فردا چه می‌شود) شاید خداوند پدیده دیگری به وجود بیاورد.

یافته‌های پژوهش

الف: شیخ الطائفه در تبیان آورده است: تعبیر (إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ) شبیه تعبیر آیه شریفه است که می‌فرماید: (إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ) (مائده/۶) یعنی چون به نماز برخاستید چنین و چنان وضو کنید. پس هنگامی که در این آیه نیز شریفه می‌فرماید: (إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ) به این معنا است که وقتی زنان را طلاق می‌دهید چنین و چنان رفتار کنید. (طوسی، ۹، ۱۴۰، ۲۷/۱۰).

با توجه به این عبارت شیخ، یادآوری چند نکته در ترجمه صحیح تر (إِذَا طَلَّقْتُمُ) ضروری به نظر می‌رسد:

۱. «طَلَّقْتُمُ» چون فعل ماضی است پس در فارسی هم به ماضی ترجمه می‌شود؛ اما چون این کاری نیست که فقط در گذشته اتفاق افتاده باشد و هر زمانی می‌تواند، انجام شود، لذا می‌تواند به صورت مضارع هم ترجمه شود. بنابراین مترجمان محترمی که در ترجمه خود، صورت ماضی یا مضارع فعل را انتخاب می‌کنند، از این جهت معنی ندارند؛ اما مطابقت بین فعل‌ها در ترجمه ضروری است، و می‌بایست یا هر دو فعل را در ترجمه به ماضی و یا هر دو فعل را به مضارع، ترجمه کنند. به عبارتی ترجمه فعل نخست به ماضی و ترجمه فعل دوم به مضارع و یا بالعکس، صحیح نیست. هم‌چنین «خواست» فعل کمکی در فارسی است که هم با فعل «ماضی» و هم با فعل «مستقبل» به کار می‌رود، و استفاده از آن بلامانع است. بنابراین ترجمه استاد صادقی تهرانی (ره) که در فعل نخست ماضی استمراری و در فعل دوم مضارع استفاده کرده، از این حیث نامناسب است و ترجمه مرحوم مشکینی (ره) که هر دو فعل را به مضارع ترجمه کرده، مناسب‌تر است. به نظر می‌رسد بهترین و رساترین ترجمه برای (إِذَا طَلَّقْتُمُ) «می‌دهید» و «دهید»؛ است. (هنگامی که زنان را طلاق می‌دهید) و یا این گونه هم درست است. (هر زمان خواستید زنان را طلاق دهید)، هم‌چنین برخی عبارات، هم‌چون «خواستید» و «دادید» علاوه بر واژه‌های فوق درست بوده و معادل‌هایی هم چون «گفتید»، «گویید» و «می‌گویید» معادل‌هایی نارسانا هستند.

۲. «طلاق گویید» و «طلاق گفتن» نادرست است؛ زیرا طلاق گفتن «هَمَكَّرِدِ مَرَكَبِ سَازِشِ دَادِنِ» است و طلاق دادن مصدر. بنابراین بهترین ترجمه (طلاق دهید) و در استاد مشکینی (ره) است.

ب: خداوند متعال در آیه چهارم همین سوره، وظیفه عده نشینی سه ماهه را در گرو شکّ در حیض دیدن که ویژه زنان یائسه و زنانی که احتمال بارداری؛ در آنها وجود نداشته و دختران خردسالی که هنوز به سنّ قاعدگی نرسیده ولی با آن‌ها آموزش شده، دانسته است. (یادداشت اول) این موضوع می‌تواند که مترجمان محترم، گروه‌های مختلف زنانی را که از گذراندن عده، معاف هستند به نحوی در ترجمه، (پاورقی) معرفی می‌کردند؛ اما از چهار ترجمه مورد پژوهش، هیچ کدام به این مورد اشاره نکرده‌اند. در مقابل استاد رضا سراج (ره) با ظرافتی مثال‌زدنی در ترجمه آیه چنین آورده است: «هرگاه خواهید طلاق دهید زنان (مدخولُ بهنّ) را پس طلاقشان دهید در عده ...» و با قید «مدخولُ بهنّ» توضیحی بجا و شایسته مرقوم کرده و تخصیص قرآن را در عمومیت آیه با توضیحی دو کلمه‌ای متذکر شده است. هم‌چنین تنها مترجمی که متذکر اکثر فروع و قیده‌های موضوع شده؛ استاد سیدعلینقی فیض الإسلام (ره) است که با دقتی کامل و توضیحی جامع، همه فروع بحث را در ترجمه تفسیری خود آورده است.

پ: هم‌چنان که گفتیم طلاق دادن زنی که حیاض یا نفسا یا در طهر واقعه است، صحیح نیست. (طبرسی، ۱۳۷۲، ۴۵۶/۱۰ - ۴۵۷)، نکته مهم در این بخش از آیه، این است که (فَطَلَّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ) یعنی در سرآمدن عده‌شان آنها را طلاق دهید. مقصود این است که «پس از پاک شدن از عادت ماهانه‌ای که با آنان آموزش نکرده‌اند آنها را طلاق دهید» و طلاق در عده همین است. هم‌چنین اغلب لام را در «لعدتتهن» لام سببیه دانسته و این گونه ترجمه کرده‌اند که طلاقشان

دهید برای این که عدّه نگه‌دارند و شکی نیست که این حکم برای زنان مدخوله است؛ زیرا هم‌چنان که در سوره احزاب آیه ۴۹ آمده، برای مطلقه قبل از دخول اصلاً عدّه‌ای نیست. نکته مهم این که هیچ‌کدام از مترجمان محترم، امکان طلاق زن را در حالت‌های چندگانه پیش رو؛ یعنی مطلقه غیر مدخوله و زن یائسه حتی در صورت برقراری رابطه زناشویی، و نیز امکان طلاق را در حالت حیض و نفاس در صورت عدم برقراری رابطه زناشویی، و هم‌چنین صحت طلاق در زن مستحاضه و نیز امکان وقوع طلاق را در صورت غیبت شوهر در فاصله زمانی اتفاق سه طهر، اصلاً متذکر نشده‌اند.

به نظر می‌رسد مترجمانی که در ترجمه‌های خود توضیحی در خصوص «پاک شدن از حیض»، «عدم هم‌بستری» و یا «طهر مواقعه» و نیز توضیح «بلامانع بودن طلاق زن مستحاضه» و نیز سایر شروط قابل توضیح در عدّه را در توضیح (فَطَلُّوْهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ) نیاورده‌اند، ترجمه‌ای نارسا را از این آیه به خوانندگان محترم ارائه داده‌اند. نکته بسیار مهم این که مترجمان محترمی هم‌چون ابوالفضل بهرام‌پور و سیدعلینقی فیض الاسلام که قید «پاک شدن از حیض» را آورده‌اند می‌بایست به دلیل توضیح خود، قید بلامانع بودن طلاق زن مستحاضه را نیز حتماً اضافه می‌کردند.

بر اساس این آیه، هنگامی طلاق، صحیح است که آغاز عدّه زن ممکن باشد؛ یعنی در طهر غیرمواقعه باشد. بنابراین ناگزیر لازم است مترجم محترم در ترجمه خود لزوم وقوع طلاق را در طهر غیرمواقعه و نیز لزوم وقوع طلاق را در زمانی که امکان نگه‌داشتن و شمارش و فراهم بودن احتساب عدّه را، ذکر کند. اساتید محترم مکارم شیرازی و مشکینی این توضیح را مرقوم و اساتید محترم صادقی تهرانی و یزدی آن را ذکر نکرده‌اند. هم‌چنین استاد سیدعلینقی فیض الاسلام (ره) متذکر این شرط و اکثر فروع دیگر شده است.

به نظر می‌رسد برخی عبارات، هم‌چون «در زمان عدّه‌شان»، «به وقت عدّه»، «به هنگامی که عدّه نگه می‌دارند»، «آنان را در عدّه‌شان [که پاک شده‌اند]»، «هنگامی که عدّه آنان آغاز تواند شد»، «هنگام (آغاز) عدّه‌شان»، «در [زمان بندی] عدّه آنان»، «در دوره پاک‌ی از حیض آن‌ها»، «در دوره پاک‌ی آنان»، و غیره بیانگر شرایط و احکام طلاق دادن، نیست.

ت: در ترجمه عبارت (وَ أَحْضُوا الْعِدَّةَ) متأسفانه اغلب مترجمین محترم، ترجمه‌ای جامع و مانع ارائه ندادند. شایسته‌تر بود هم‌چنان که در صدر مقاله آمد با توجه به ابتلای درصد نه چندان کمی از زنان جامعه، عبارت (وَ أَحْضُوا الْعِدَّةَ) کامل و به دور از هرگونه ابهامی ترجمه می‌شد تا خوانندگان گرامی مجبور به جمع بندی شخصی نشده و با اطمینان قلبی بیشتر و یافته‌ای استوارتر به مطالعه ترجمه آیات می‌پرداختند. به نظر می‌رسد می‌بایست مترجمان محترم «شمردن و مفهومی از این قسم» را در ترجمه (وَ أَحْضُوا الْعِدَّةَ) با توضیحی در خور همانند آنچه برخی از مترجمان محترم اضافه کرده و آن را با جملاتی مانند «سه طهر (پاکی از حیض)»، «مدت سه پاکی»، «[تا سه طهر]»، و غیره آورده‌اند؛ ارائه می‌نمودند. اما از چهار ترجمه مورد پژوهش، هیچ‌کدام به این مورد اشاره نکرده‌اند. در مقابل مترجمین محترم اساتید سیدعلینقی فیض الاسلام، مهدی الهی قمشه‌ای، اصغر برزی، عبدالمجید صادق نوبری به این عدد و توضیح لازم، تصریح کرده‌اند. و سایر مترجمان با عباراتی نظیر «حساب عدّه را نگه‌دارید»، «شمار عدّه را نگه‌دارید»، «عدّه را شمارش کنید»، «بشمرید عدّه را»، «شمارش روزهای عدّه را نگه‌دارید»، «ضبط نمائید عدّه را»، «شماره کنید وقت پاکیشان را» و «عدّه را شمار کنید» و غیره، بدون توضیح کافی از کنار ترجمه این واژه گذشته‌اند.

ترجمه تفسیری و مختار از آیه

«وقتی زنان(ی) را که با آن‌ها رابطه زناشویی داشته‌اید و حیض و نفسا و در طهر مواقعه نیستند) را طلاق می‌دهید روزهای عدّه را به دقت بشمارید (تا به پایان برسد و آن سه طهر و پاکی از حیض فرا برسد)».

یادداشت اول

نکته لازم این که طبق آیات شریفه قرآن، برخی زنان عدّه ندارند. سه گروه مذکور عبارتند از: زن یائسه، زن غیرمدخوله و زن نابالغ. (نجفی، ۱۳۶۵، ۲۱۹/ ۳۲)، البته دیدگاه‌های دیگری هم نسبت به گروه‌های ذکر شده مانند زنان عقیم و بدون رحم، در میان فقهای اسلامی وجود دارد. (دهقان‌نژاد، ۱۳۹۹، ۲۷-۴۵؛ مؤمن قمی، ۱۳۷۹، ۵- ۱۳ و همو، ۱۳۷۹، ۱۱-۱۶؛ ولی‌زاده و همکار، ۱۳۹۷، ۱۷۱-۱۸۸)؛ بر این اساس می‌توان گفت: که مشروعیت عدّه، فی‌الجمله مطابق با قرآن، سنت و اجماع مسلم و ثابت شده است نه بالجمله. (نجفی، ۱۳۶۵، ۲۱۱/ ۳۲) که البته در مورد سوم این توضیح ضروری است که زن نابالغ، حتی اگر با شوهرش آمیزش نیز داشته باشد؛ پس از طلاق عدّه‌ای بر او نیست، نصّ مسأله به این شرح است: زنی که نه سالش تمام نشده و زن یائسه عدّه ندارد، یعنی اگرچه شوهرش با او نزدیکی کرده باشد، بعد از طلاق می‌تواند فوراً شوهر کند. (خویی، ۱۳۸۰، مسأله ۲۵۱۹)، البته طبق نصّ قرآن، زن در طلاق قبل از آمیزش، عدّه ندارد. (۴۹/ احزاب)؛ (مقداد سیوری، ۱۳۷۳، ۲۶۲/۲).

برخی نویسندگان در کتاب‌های مصطلح نگاری فروع این نوع طلاق را همراه با مواد قانونی آن، ذکر کرده‌اند. (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۵، ۴۴۶)، هم‌چنین به دلیل ضرورت عدّه و شرایط آن در ازدواج موقت و یا متعه، منابع پیش‌رو برای مطالعه معرفی می‌گردد. (ابن بابویه (صدوق)، ۱۴۱۳، ۳/ ۴۵۸-۶۴۷، ح/ ۴۵۸۳-۴۶۱۶؛ اسماعیلی و همکار، ۱۳۹۱، ۶۵- ۸۸؛ جواهری، ۱۳۸۹، ۱۲۵؛ حیدری و همکار، ۱۳۹۵، ۱۶-۲۶؛ شبیری زنجانی، ۱۳۹۷، ۷-۲۶؛ شفائی، ۱۳۵۲، سراسر اثر، (کتاب)؛ ضمیری، ۱۳۸۴، ۲۸۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ۳/ ۵۲-۵۳؛ فاکر میبدی، ۱۳۸۶، ۶۵؛ کاظمی و همکار، ۱۳۹۱، ۲۵-۵۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۳۳۱-۳۴۶؛ یزدی (محمد)، ۱۴۲۶، ۳/ ۴۵-۵۲).

منابع

قرآن مجید و ترجمه‌های فارسی آن

کتاب‌های عربی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (صدوق)، (۱۴۱۳ق)، *من لا یحضره الفقیه، المحقق علی‌اکبر غفاری، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.*
۲. ابن فارس، احمد بن فارس، (بی‌تا)، *معجم مقاییس اللغه، المحقق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، الطبعة الاولى.*
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب، بیروت، دار صادر، الطبعة الثالثة.*
۴. حلّی (علامه)، حسن بن یوسف، (۱۳۶۸ش)، *تبصرة المتعلمین فی احکام الدّین، المحقق احمد الحسینی و محمد هادی یوسفی غروی، تهران، انتشارات فقیه.*
۵. _____، (۱۳۸۷ق)، *ایضاح الفوائد فی شرح إشکالات القواعد، قم، مؤسسه اسماعیلیان، الطبعة الاولى.*
۶. حلّی (محقق)، جعفر بن سعید، (۱۴۰۹ق)، *شرائع الإسلام فی الحلال والحرام، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.*
۷. خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۳۶۸ش)، *منهاج الصّالحین، قم، مدینه العلم.*
۸. الرّاعب الاصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم، الطبعة الأولى.*

۹. السیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، (۱۴۲۱ق)، *الإیتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالکتب العربی.
۱۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی، (۱۳۷۹ش)، *الروضه البهیة فی شرح لمعه الدمشقیة*، قم، اسماعیلیان.
۱۱. الطبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲ش)، *المجمع البیان فی تفسیر القرآن*، المحقق محمدجواد بلاغی، تهران، انتشارات ناصر خسرو، الطبعة الثالثة.
۱۲. الطوسی، محمد بن حسن، (۱۳۹۰ق)، *الایستبصار فیما اختلف من الأخبار*، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۱۳. _____، (۱۴۰۹ق)، *التبیان فی التفسیر القرآن*، المحقق شیخ آقا بزرگ تهرانی و احمد قصیر عاملی، بیروت، مکتب الاعلام الإسلامی.
۱۴. الطریحی، فخرالدین، (۱۳۷۵ش)، *مجمع البحرین*، به کوشش احمد حسینی اشکوری، تهران، مکتبه المرتضویة.
۱۵. الفراء، یحیی بن زید، (۱۹۸۰م)، *معانی القرآن*، المحققین احمد یوسف نجاتی و محمدعلی نجار و عبدالفتاح اسماعیل شبلی، قاهره، دارالمصریة للتألیف والترجمة، الطبعة الاولى.
۱۶. الفراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۱۰ق)، *کتاب العین*، قم، انتشارات هجرت.
۱۷. الکلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۶۵ش)، *الکافی*، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۱۸. المشکینی اردبیلی، علی، (۱۳۹۲ش)، *مصطلحات الفقه*، المحقق حمید احمدی جلفایی، قم، مؤسسه دارالحديث.
۱۹. المصطفوی، حسن، (۱۴۰۲ق)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، مرکز الكتاب للترجمة والنشر.
۲۰. المغنیة، محمدجواد، (۱۴۲۱ق)، *فقه الإمام الصادق %*، قم، مؤسسه انصاریان للطباعة والنشر، الطبعة الثانية.
۲۱. نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۵ش)، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الإسلام*، به کوشش موسی طهرانی، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۲۲. الیزدی، محمد، (۱۴۲۶ق)، *فقه القرآن (العقود والایقاعات)*، طهران، دار الأسوة للطباعة والنشر، الجزء الثالث، الطبعة الأولى.

کتاب های فارسی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (صدوق)، (۱۳۶۲ش)، *الخصال*، به کوشش علی اکبر غفاری، قم.
۲. امامی، اسدالله، (۱۳۶۶ش)، *حقوق مدنی*، تهران، انتشارات اسلامیة.
۳. امامی، حسن، (۱۳۶۸ش)، *قانون مدنی*، تهران، انتشارات اسلامیة.
۴. امین، سیده نصرت، (۱۳۶۱ش)، *مخزن العرفان فی تفسیر القرآن*، تهران، نهضت زنان مسلمان.
۵. بستان، حسین، (۱۳۸۵ش)، *اسلام و جامعه شناسی خانواده*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۶. ترک، عفت، (۱۳۹۴ش)، *عده از دیدگاه مذاهب خمس، مشهد*، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، (۱۳۹۵ش)، *ترمینولوژی حقوق*، تهران، انتشارات گنج دانش.
۸. _____، محمدجعفر، (۱۳۷۶ش)، *دانشنامه حقوقی*، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۹. جواهری، سیدمحمدحسن، (۱۳۸۹ش)، *درس نامه ترجمه اصول، مبانی و فرایند ترجمه قرآن کریم*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم.
۱۰. خوئی، سیدابوالقاسم، (۱۳۷۱ش)، *توضیح المسائل*، مشهد، رستگار.

۱۱. شفائی، محسن، (۱۳۵۲ش)، *منعه و آثار حقوقی و اجتماعی آن*، تهران، چاپخانه حیدری، چاپ ششم.
۱۲. صادقی فدکی، سیدجعفر، (۱۳۹۴ش)، *بازپژوهی ملاک‌های توسعه آیات الاحکام قرآن کریم*، نگارشی نو به آیات الاحکام و مباحث فقهی در قرآن، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۱۳. صفوی، سیدمحمد رضا، (۱۳۹۶ش)، *آیات الاحکام بیان احکام فقهی در قرآن*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی وابسته به دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، (ج ۱)، چاپ دوم.
۱۴. ضمیری، رضا، (۱۳۸۴ش)، *فقه مقارن*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی مذاهب اسلامی، چاپ اول.
۱۵. طباطبایی، سیدمحمد حسین، (۱۳۷۰ش)، *تفسیر المیزان*، (دوره ۲۳ جلدی)، به کوشش جمعی از مترجمان، تهران، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر فرهنگی رجاء و مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
۱۶. غیاثی کرمانی، محمد رضا، (۱۳۸۱ش)، *کشف الآیات*، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول.
۱۷. فاضل مقداد سیوری، جمال‌الدین مقداد، (۱۳۷۳ش)، *کنز العرفان فی فقه القرآن*، به کوشش محمدباقر شریف زاده و محمدباقر بهبودی، تهران، انتشارات مرتضوی.
۱۸. قرائتی، محسن، (۱۳۹۰ش)، *تفسیر نور*، تهران، نشر مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ دهم.
۱۹. مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت E، (۱۳۹۵ش)، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت E*، به کوشش سید محمود هاشمی شاهرودی، (ج ۱)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، چاپ اول. ؟؟؟؟؟؟؟؟؟
۲۰. _____، (۱۳۹۲ش)، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت E*، به کوشش سید محمود هاشمی شاهرودی، (ج ۵)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، چاپ اول.
۲۱. _____، (۱۳۸۹ش)، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت E*، به کوشش سید محمود هاشمی شاهرودی، (ج ۴)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، چاپ اول.
۲۲. _____، (۱۳۹۵ش)، *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت E*، به کوشش سید محمود هاشمی شاهرودی، (ج ۶)، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، چاپ اول.
۲۳. محقق، محمدباقر، (۱۳۶۰ش)، *حقوق مدنی زوجین*، تهران، انتشارات بنیاد قرآن.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران، (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. موسوی خمینی، سید روح‌الله، (۱۳۸۶ش)، *تحریر الوسیله*، به کوشش مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، تهران، ترجمه مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

مقالات

۱. استادی، رضا، (۱۳۸۸ش)، «عیوب موجب فسخ نکاح»، فصلنامه فقه اهل بیت E، (سال پانزدهم، شماره‌های ۵۸ و ۵۹).
۲. اسماعیلی، داود و همکار، (۱۳۹۱ش)، «بررسی مستندات قرآنی - روایی فریقین در حکم ازدواج مؤقت و پیامدهای آن»، فصلنامه آموزه‌های فقه مدنی، (سال پنجم، شماره ۶).

۳. اشرف، صدیقه و نظری، اعظم، (۱۳۷۸ش)، «عده زنان در آیین فقہ امامیه»، فصلنامه تخصصی فقہ و تاریخ تمدن، (سال پنجم، شماره ۱۸).
۴. بهرامی اقدم، حسین، (۱۳۹۸ش)، «فلسفه حکم عده در غیر طلاق رجعی و وفات»، پژوهشنامه زنان، (سال دهم، شماره ۲۹).
۵. جهانگیری، محسن، (۱۳۹۴ش)، «حکمت تشریح عده، اقسام و احکام مترتب بر آن»، فصلنامه آموزه های فقہ مدنی، (سال هفتم، شماره ۱۱).
۶. حصاری، هادی و همکاران، (۱۳۹۷ش)، «بررسی ترجمه فارسی «آیات فقهی» در ترجمه سه فقیه (صادقی تهرانی، مشکینی، مکارم شیرازی)»، کنفرانس ملی علوم اسلامی و پژوهش های دینی، نمایه شده در ISC.
۷. حیدری، سیروس و همکار، (۱۳۹۵ش)، «نکاح موقت طویل المدت»، دو فصلنامه حقوق مدنی، (سال پنجم، شماره ۱۰).
۸. دهقان نژاد، رضا، (۱۳۹۹ش)، «تأملی در لزوم عده بر مطلقه عقیم»، پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، (سال هشتم، شماره ۱۹).
۹. رستمی تبریزی، لمیاء، (۱۳۸۸ش)، «تطبیق قوانین عده در ایران و سایر کشورها»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان (مطالعات راهبردی زنان)، (سال یازدهم، شماره ۴۳).
۱۰. رضایی کرمانی، محمدعلی و همکار، (۱۳۹۴ش)، «نقد ترجمه فارسی آیات الاحکام در ترجمه های فارسی قرآن کریم»، فصلنامه آموزه های قرآنی، (سال چهاردهم، شماره ۲۲).
۱۱. رزاقی، کیانوش، (۱۳۸۳ش)، «مبانی وضع عده با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه»، نشریه گواه دوره جدید، (سال اول، شماره ۲).
۱۲. شیرینی زنجانی، سیدموسی، (۱۳۹۷ش)، «مدت عده در ازدواج موقت»، به همت حسین سنائی، فصلنامه پژوهش های فقهی تا اجتهاد، (سال دوم، شماره ۳).
۱۳. علوی قزوینی، سیدعلی، (۱۳۴۸۷ش)، «انواع عده و وضعیت زنان فاقد رحم»، فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، (سال یازدهم، شماره ۴۰).
۱۴. فاکر میبدی، محمد، (۱۳۸۶ش)، «فقہ القرآن شیعه در بستر تاریخ»، فصلنامه شیعه شناسی، (سال پنجم، شماره ۱۷).
۱۵. کاظمی، زهره و همکار، (۱۳۸۹ش)، «متعۀ الطلاق، بررسی مبانی فقهی بند ب تبصره ۶ ماده واحده اصلاح مقررات طلاق»، فصلنامه مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، (سال هشتم، شماره ۲۵).
۱۶. مؤمن قمی، محمد، (۱۳۷۹ش)، «بررسی فقهی حکم زنان بدون رحم»، ماهنامه دادرسی، (سال چهارم، شماره ۱۹).
۱۷. _____، (۱۳۷۹ش)، «بررسی فقهی حکم زنان بدون رحم»، ماهنامه دادرسی، (سال چهارم، شماره ۲۰).
۱۸. معارف، مجید و همکار، (۱۳۹۹ش)، «جهت گیری های اخلاقی آیات طلاق در قرآن»، فصلنامه پژوهش دینی، (سال هجدهم، شماره ۴۰).
۱۹. معرفت، محمدهادی، (۱۳۷۶ش)، «عیوب موجب فسخ نکاح»، ماهنامه دادرسی، (سال اول، شماره ۳).
۲۰. ولی زاده، رحمان و همکار، (۱۳۹۷ش)، «تأملاتی فقهی در واکاوی و بازخوانی ادله عده زنان بدون رحم»، فصلنامه پژوهش های فقہ و حقوق اسلامی، (سال پانزدهم، شماره ۵۴).

۲۱. یوسفی، رقیه، (۱۳۹۲ش)، «چیستی و چرایی علّه در اسلام»، فصلنامه پژوهش نامه مطالعات اسلامی زنان و خانواده، (سال اول، شماره ۱).